

در دوران گذشته اگر شخصی توان بازپرداخت بدهی های خود را نداشت اموال او را تصرف می کردند و خود او نیز مورد خشونت قرار می گرفت. اما با پیشرفت تمدن و درک این معنی که ممکن است هر فردی بنا بر شرایط خاص در معرض خطر ناتوانی در تادیه دیون خود قرار گیرد و چنین نیست بنابراین عقل و منطق و عدالت و انصاف ایجاب می کند که بین بدهکاران فرق گذاشته شود و آنهایی که دچار زیانهای غیر مترقبه و حوادث اجتناب ناپذیر شده اند تامین جانی و مالی داشته و در مورد کسانی که با حیله و تقلب اموال خود را از دسترس بستانکاران خارج کرده اند. حسب مورد و با توجه به اوضاع مقررات قانونی اعمال شود.

بالاخره در جوامع گذشته باین نتیجه رسیدند که باید نسبت به بدهکار بی تقصیر با رافت و انسانیت رفتار کنند و نتیجه آن وضع قانونی بود که بموجب آن در صورتی که بدهکار ناتوان و در مانده صورت دارائی خود را با عین اموال تسلیم بدهکاران می کرد از توقیف و فروش در امان بود. در نتیجه، برای اینکه همه بستانکاران یکسان از اموال مدیون بهره مند شوند مقرر داشتند که کلیه دارائی وی به یک نفر سپرده شود تا وی آنرا بین بستانکاران تقسیم نماید از فقه اسلامی نیز بر می آید که بر مبنای مقررات خاصی اموال شخص در مانده از پرداخت دیون تحت نظر حاکم به طلبکاران تقسیم می شود و قواعد این امر در باب «فلس» بیان شده است و خلاصه آن اینست که

مفلس کسی است که اموال او بعد از وضع مستثنیات دین کمتر از دیون او باشد و در این حال حکم حجر وی از « طرف حاکم صادر می شود بشرط آنکه اولاً مدیون بودن وی ثابت شود ثانیاً دیون وی حال باشد ثالثاً بدهی بیشتر از « دارائی باشد رابعاً بستانکاران حجر وی را بخواهند

باین ترتیب چه در حقوق رم و چه در فقه اسلامی عدم توانائی به پرداخت دیون و قواعد مربوط به تصفیه مطالبات عمومیت داشته و از این حیث فرقی بین بازرگان و غیر بازرگان نبود. هنوز هم در حقوق ژرمن و انگلوساکسون این کیفیت بر قرار است. اما با پیشرفت امور بازرگانی تحت تاثیر حقوق لاتین بین تاجر و غیر تاجر در موضوع عدم توانائی به پرداخت دیون افتراق حاصل شد.

در حقوق ایران با استفاده از فقه اسلامی و قوانین فرانسه برای بازرگانان مقررات ((توقف)) یا «ورشکستگی» و برای افراد عادی قواعد «اعسار» و «افلاس» برقرار گردیده

الف- پیش از تصویب قانون تجارت در قوانین بهمن ۱۳۰۳ و خرداد ۱۳۰۴ برای تصفیه ورشکستگی تاجر مقررات خاصی وضع شد

ب- قانون ۲۵ آبان ۱۳۱۰ اعسار و افلاس را بشرح زیر تعریف کرده و مقرراتی برای آن وضع نموده

معسر کسی است که بواسطه عدم دسترسی به اموال و دارائی خود موقتاً قادر به پرداخت مخارج عدلیه یا محکوم « به نباشد. مفلس کسی است که دارائی او برای پرداخت مخارج عدلیه یا بدهی او کافی نیست

ج- قانون تجارت مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۱۰ توقف یا ورشکستگی را خاص بازرگانان قرار داده و آنرا چنین « تعریف کرده: «ورشکستگی تاجر... در نتیجه توقف اواز تادیه وجوهی که بر عهده اوست، حاصل می شود

د- همچنین قانون ۲۵ آبان ۱۳۱۰ در ماده ۳۴ صریحاً اعلام داشته که «از تاجر عرضحال اعسار یا افلاس پذیرفته « نمی شود. تاجری که مدعی اعسار یا افلاس باشد، باید مقررات قانون تجارت عرضحال توقف بدهد

: مقایسه توقف و اعسار

: بین ورشکستگی و اعسار تفاوتی وجود دارد که عبارتند از

1. توقف و قواعد آن خاص بازرگان است و اعسار و مقررات آن اختصاص به افراد غیر تاجر دارد
2. ورشکستگی از طرف خود تاجر یا بستانکار یا دادستان اعلام می شود و حال آنکه اعسار فقط از طرف خود مدیون قابل اعلام است
3. رسیدگی به درخواست توقف منحصراً در دادگاه شهرستان بعمل می آید ولی در مورد اعسار بسته به میزان بدهی است که ممکن است از لحاظ میزان خواسته داخل در صلاحیت دادگاه بخش باشد. بعلاوه باید دعوی اعسار در همان دادگاهی اقامه شود که حکم به دعوی اصلی داده است

حکم توقف نسبت به تمام بستانکاران تاجر ورشکسته موثر می‌باشد ولی حکم اعسار فقط درباره بستانکاری موثر -4- است که دعوی او اقامه شده

ورشکسته از تصرف و مداخله در اموال خود محروم است ولی معسر چنین نیست -5-

پس از ورشکستگی مقررات تصفیه اجراء می‌شود ولی در اعسار چنین مقرراتی وجود ندارد -6-

ورشکستگی موجب محرومیت از حقوق اجتماعی و سیاسی بازرگان است ولی اعسار چنین نتیجه‌ای ندارد -7-

بازرگان ورشکسته تحت شرایط خاصی اعاده اعتبار می‌تواند کند ولی برای معسر مقررات خاصی جهت اعاده -8- اعتبار در نظر گرفته نشده است

توقف ممکن است عادی یا به تقصیر یا به تقلب باشد ولی در اعسار چنین تفکیک و تشخیص وجود ندارد -9-

تعریف ورشکستگی

بموجب صدور ماده ۴۱۲ ق.ت. ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تادیه وجوهی که بر عهده اوست حاصل می‌شود. همچنین از ماده ۴۱۳ قانون مذکور برمی‌آید که وقفه در تادیه قروض یا سایر تعهدات نقدی موجب توقف بازرگانان است بنابراین

شرط اول ورشکستگی، تاجر یا شرکت تجاری بودن است. پس با توجه به تعریف تاجر و شرکت تجاری نمی‌توان افراد عادی یا سازمانهای غیر تجاری را ورشکسته دانست. پس اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر اگر هم معاملات تجاری انجام دهند مشمول ورشکستگی نخواهند بود. همچنین مدیر شرکت چون به حساب خود تجارت نمی‌کند بر اثر ورشکستگی شرکت ورشکسته تلقی نخواهد شد

در مورد سازمانهای غیر تجاری اعم از انتفاعی یا غیر انتفاعی اگر فعالیت آنها منحصر به موضوع مندرج در اساسنامه باشد و دچار عدم توانائی پرداخت بدهی‌های خود گردند چون اطلاق شرکت تجاری با آنها نمی‌شود لذا باید مطابق مقررات در اساسنامه باشد و دچار عدم توانائی پرداخت بدهی‌های خود گردند چون اطلاق شرکت تجاری با آنها نمیشود لذا باید مطابق مقررات اساسنامه خود اقدام به تصفیه نمایند و الا قهراً باید اعضاء آنها طبق مقررات اعسار رفتار کنند. اما اگر چنین سازمانهایی برخلاف موضوع فعالیت خود اقدام به معاملات تجاری نمایند و دچار وقفه در پرداخت دیون شوند مشمول مقررات اعسار نخواهند بود و باید مطابق مقررات ورشکستگی با آنها رفتار کرد.

شرط دوم داشتن اهلیت قانونی برای اشتغال به تجارت است و الا اگر شخص محجوری معاملات تجاری انجام دهد و دچار توانائی در تادیه فروش گردد ورشکسته محسوب نخواهد شد

شرط سوم تعلق ورشکستگی به اعمال تجاری است. بنابراین اگر کسی که شغل دیگری غیر از تجارت دارد به معاملات تجاری هم بپردازد از این حیث مشمول مقررات ورشکستگی خواهد بود

شرط چهارم اینست که دیون تاجر مربوطه به معاملات تجاری باشد و الا دیون غیر تجاری مستلزم توقف نیست مگر اینکه اختلال در امور تجاری ایجاد نماید و رفع آن مقدور نباشد

شرط پنجم اینست که عدم پرداخت یک یا چند دین در نتیجه ناتوانی از تادیه آنها باشد در غیر این صورت صرف عدم پرداخت مانند نکول براتی مستلزم ورشکستگی نخواهد بود

شرط ششم اینست که لازم نیست دارائی تاجر کمتر از بدهی وی باشد بلکه اگر نتواند بدهی خود را بپردازد ورشکسته است چه ممکن است تاجر به دارائی خود دسترسی نداشته یا نقدینگی کافی یا کالای قابل فروش نداشته باشد و نتواند بدهی‌های خود را بپردازد بعبارت دیگر یا استطاعت تأثیری در امر توقف ندارد بلکه ملاک آن وقفه در پرداخت دیون است گرچه کمتر از دارائی تاجر باشد

کسبه جزء : مستفاد از مجموع مواد قانون تجارت و مفهوم ماده ۳۳ قانون اعسار جزء در صورت عدم توانائی به پرداخت دیون ورشکسته تلقی خواهد شد و حق دارد از مقررات اعسار استفاده کند

توقف پس از فوت : در ذیل ماده ۴۱۲ تصریح شده است که حکم ورشکستگی تاجری را که حین الفوت در حال توقف تا یکسال از مرگ او نیز می‌توان صادر نمود. بنابراین با تحقق دو شرط یعنی توقف تاجر حین الفوت و عدم انقضاء یکسال از فوت وی ورشکستگی صادر نمود. در این حال امروز ورشکستگی مربوط به ترکه و مال الارث خواهد بود و تقاضای صدور حکم ورشکستگی علاوه بر بستانکاران و دادستان از طرف ورثه نیز قبول است

ورشکستگی پس از برکناری از تجارت - مقنن ورشکستگی را مربوط به معاملات تجاری قرار داده است. بنابراین

اگر تاجری در مدت اشتغال به اعمال بازرگانی دچار وقفه در پرداخت دیون و سپس دست از تجارت کشیده است مشمول ورشکستگی خواهد بود گرچه در حال فعلی اطلاق تاجر به وی نمی شود. اگر چه در این خصوص تصریحی در قانون تجارت نشده ولی از روح قانون و قاعده اولویت و تنقیح مناط میتوان تاجر را ترک تجارت و وقفه در پرداخت دیون مربوطه به معاملات تجاری ورشکسته دانست. به نظر میرسد که در اینجا نیز تقاضای ورشکستگی نباید از یکسال بگذرد.

: اعلام ورشکستگی

بموجب ماده ۴۱۳ ق. ت. تاجر باید در ظرف سه روز از تاریخ وقفه که در تادیه قروض او حاصل شده است توقف خود را به دفتر محکمه بدایت محل اقامت خود اظهار نموده صورت حساب دارائی و کلیه دفاتر تجاری خود را به دفتر محکمه مزبور تسلیم نماید.

: و ماده ۴۱۵ تصریح کرده که ورشکستگی تاجر به حکم محکمه بدایت در موترد زیر نیز اعلام می شود

الف - بموجب اظهار خود تاجر

ب- بموجب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکاران

ج- بموجب تقاضای مدعی العموم بدایت

به این اعلام ورشکستگی یا از طرف تاجر یا بستانکار یا دادستان قابل انجام است. اما در مورد شرکتهای تجاری هم این حکم صادق است و به جای تاجر مدیر عامل یا مدیران شرکت تجاری اعلام خواهند کرد. موضوع اخیر در ذیل ماده ۴۱۴ قانون تجارت ایران به این نحو قید شده که: (در صورت توقف شرکتهای تضامنی، مختلط یا نسبی اسامی و محل اقامت کلیه شرکاء ضامن نیز باید ضمیمه شود) و در ماده ۴۳۸ قانون تجارت فرانسه تصریح گردیده که اعلامیه شامل مشخصات قانونی شرکت و در شرکتهای دارائی شرکاء ضامن باضافه اسامی و سایر مشخصات آنان خواهد بود. مدت اعلام در قانون ایران ۳ روز از تاریخ وقفه ولی در قانون تجارت فرانسه ظرف ۱۵ روز تعیین گردیده است.

: الف - اعلام از طرف بازرگان باید شامل نکات زیر باشد

تاریخ توقف

صورت حساب دارائی شامل تعداد و قیمت کلیه اموال منقول و غیر منقول بطور مشروح

کلیه دفاتر تجاری

صورت قروض و مطالبات

صورت حساب و بیلان نفع و ضرر

صورت هزینه شخصی

بعلاوه باید صورتحسابها متضمن تاریخ و امضاء تاجر باشد

ب- اعلام از طرف یک یا چند بستانکار فقط شامل مشخصات اجمالی تاجر ورشکسته و دلیلی مانند سفته و اخواست شده برای اثبات وقفه در پرداخت دیون خواهد بود

ج- اعلام از طرف دادستان قهرناً یک اعلام صرف بوده و رسیده گی به عهده دادگاه است

تبصره - طبق حقوق فرانسه محکمه تجارت به جای دادستان راساً می تواند ورشکستگی بازرگان را مطرح و مورد رسیدگی قرار دهد.

: مرجع قانونی اعلام ورشکستگی

ورشکستگی به دادگاه شهرستان محل اقامت بازرگان اعلام می شود و دادگاه مذکور تنها مرجع صالح قانونی برای رسیدگی بدوی به اعلام ورشکستگی است و منظور مققن از محل اقامت. اقامتگاه قانونی است نه محل سکونت در شرکتهای تجاری هم اقامتگاه قانونی مناط اعتبار و صلاحیت است نه مرکز عملیات فنی یا سایر دفاتر تابعه و یا شعبات شرکت ولی اگر شعبه ای از شرکت که در خارج از مرکز اصلی انست ورشکسته شود بدون اینکه موثر در مرکز اصلی باشد دادگاه صلاحیت دار دادگاه محل شرکت خواهد بود.

حکم ورشکستگی - پس از وصول اعلام ورشکستگی بازرگان به دادگاه شهرستان وقتی برای رسیدگی تعیین میشود و دادگاه با حضور بازرگان ورشکسته و در غیر اینصورت در غیاب او و شخص متقاضی اگر از بستانکاران باشد و حضور دادستان به موضوع رسیدگی نموده و پس از احراز توقف در پرداخت دیون حکم ورشکستگی بازرگان را

صادر مینماید.

: حکم مذکور شامل نکات ذیل خواهد بود

مقدمه و شرح جریان امر

دلایل مربوط به توقف با احراز آن در نظر دادگاه

تاریخ توقف با قید روز و ماه و سال و اگر ممکن نباشد قدرمتمینی که فاقد ابهام باشد

تعیین مدیر تصفیه و عضو ناظر

امر به مهر و موم اموال و دارائی و توقیف دارائی ولدی الاقتضاء توقیف شخص بازرگان

: عام و مطلق بودن حکم ورشکستگی

هر حکمی که از دادگاه در امور ترافیعی صادر می گردد اصولاً حالت و خاصیت نسبی دارد. یعنی تاثیر آن فقط درباره طرفین دعوی است و درباره افراد دیگر موثر نیست. اما حکم ورشکستگی حالت و خاصیت عام و مطلق دارد. یعنی تاثیر آن از طرفین دعوی تجاوز کرده و شامل همه افرادی می شود که با بازرگان معاملات تجارتي داشته و تعهدات یا حقوقی نسبت بوی دارند و بالاخره بستانکار یا بدهکارند و بنحوی از انحاء در موضوع ذینفع میباشند. اعلام حکم: حکم ورشکستگی برای اطلاع عامه در روزنامه آگهی می شود تا اشخاص از مفاد حکم مستحضر شوند و از وضعیت بازرگان باخبر گردند و اقداماتی را که برای حفظ حقوق خود یا آثار حکم لازم میدانند انجام دهند. اعتراض به حکم ورشکستگی: حکم ورشکستگی نه تنها از طرف بازرگان بلکه همه کسانی که ذینفع هستند قابل اعتراض است. بموجب ماده ۵۳۶ ق. ت. حکم اعلان ورشکستگی و همچنین حکمی که بموجب آن تاریخ توقف تاجر در زمانی قبل از اعلان ورشکستگی تشخیص شود قابل اعتراض است

مدت اعتراض از طرف تاجر ورشکسته ده روز و افراد مقیم در ایران یکماه و آنهاییکه در خارج از کشور قرار دارند دو ماه و مبدأ آن تاریخ اعلان حکم است (ماده ۵۳۷ ق. ت) قهری است که اعتراض که عادتاً در احکام غیابی قابل پذیرش است حق کسانی است اعم از بازرگان متوقف یا سایر افراد ذینفع که در دادرسی و صدور حکم شرکت نداشته اند. زیرا فقط درباره اینهاست که قاعده الغائب علی حجتہ جاری است

: پژوهش از حکم ورشکستگی

کسانیکه در دادرسی شرکت داشته اند حکم ورشکستگی نسبت بآنها حضوری است و فقط مانند سایر احکام حق پژوهشخواهی دارند و مهلت آن ده روز از تاریخ ابلاغ حکم است و برای کسانیکه محل اقامت آنها از مقر محکمه بیش از شش فرسخ فاصله دارد از قرار هر شش فرسخ یکروز بمدت مزبور اضافه می شود. مرجع رسیدگی به پژوهش دادگاه استانی است که دادگاه شهرستان صادر کننده حکم در حوزه آن واقع است

: فرجامخواهی

گرچه قانون تجارت به قابل فرجام بودن احکام ورشکستگی اشاره نکرده است ولی چون با نبودن منع اصل جواز جاری است لذا تردید ندارد که حکم صادره در مرحله پژوهش اعم از اینکه راجع به ماهیت توقف یا تاریخ آن باشد. ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ فرجام پذیر است

: اجرای موقت

بتصریح ماده ۴۱۷ ق.ت. حکم ورشکستگی بطور موقت اجراء میشود. بنابراین اعتراض، پژوهش، فرجام، مانع اجرای حکم نخواهد بود. گرچه این دستور ملازمه با طبع حکم ورشکستگی دارد ولی در صورتیکه حکم ورشکستگی چه از نظر ماهیت چه از نظر تاریخ تغییر یابد اثراتی بیارمی آورد که اجتناب ناپذیر است اما باید توجه داشت که اجرای موقت حکم ورشکستگی مربوط به عملیاتی است که در زمینه جمع آوری اوراق و اسناد و حفظ و نگهداری دارائی و اموال ورشکسته انجام می گیرد و در غیر اینصورت اقدامات دیگر مانند فروش اموال و ابطال معاملات و پرداخت مطالبات مربوط به بعد از قطعیت حکم است

: موارد توقیف

بموجب مواد ۴۳۵ و ۴۳۶ قانون تجارت در موارد زیر دادگاه ضمن صدور حکم ورشکستگی قرار توقیف تاجر را خواهد داد

عدم رعایت مواد ۴۱۳ و ۴۱۴ ق. ت. یعنی عدم اعلام ورشکستگی در مدت سه روز از تاریخ وقفه در پرداخت دیون و ندادن صورت حساب دارائی و ترازنامه و دفاتر تجارتي بدفتر دادگاه

در صورتیکه معلوم گردد تاجر ورشکسته می خواهد با اقدامات خود از اداره امور و عمل تصفیه ورشکستگی جلوگیری نماید.

قهری است که صدور قرار توقیف در مورد اخیر به تقاضای مدیر تصفیه خواهد بود زیرا در جریان عمل به تصفیه این وضع ممکن است پیش آید، علاوه بر موارد دو گانه فوق بموجب ماده ۲۰ قانون تصفیه امور ورشکستگی اداره تصفیه میتواند به جلب تاجر ورشکسته اقدام یا توقیف وی را از دادگاه درخواست نماید. جلب یا توقیف در صورتیست که تاجر متوقف در دوره تصفیه خود را در اختیار اداره تصفیه نگذارد و صریحاً ازین تکلیف معاف نشده باشد ورشکسته می تواند از دوام توقیف خود در هر ماه یکبار به دادگاه صادر کننده قرار توقیف شکایت نموده و رفع آنرا بخواهد. توقیف بازرگان مجازات کیفری نیست بلکه بمنظور عملی شدن تصفیه است و به این جهت همینکه مدیر تصفیه یا اداره تصفیه بی نیاز از توقیف تاجر بود تقاضای رفع توقیف را از دادگاه خواهند کرد و دادگاه نیز حکم رفع توقیف را صادر خواهد نمود.

اقسام ورشکستگی

: با توجه به مواد ۴۱۲ و ۵۴۱ و ۵۴۹ قانون تجارت سه نوع ورشکستگی میتوان تشخیص داد که عبارتند از

ورشکستگی عادی _ 1

ورشکستگی به تقصیر _ 2

ورشکستگی به تقلب _ 3

: ورشکستگی عادی

ورشکستگی عادی همانست که تاجری بر اثر عوامل خارجی یا حوادث غیر مترقبه بدون تقصیر یا سوء نیت و تقلب متوقف گردد، ورشکستگی عادی حالتی است که در آن باره فقط یک سلسله مقررات و دستورات مدنی وضع گردیده و با کمکهای قانونی وضع مختل و نابسامان بازرگان ورشکسته رسیدگی و تصفیه می شود ولی در ورشکستگی به تقصیر و یا به تقلب، علاوه بر اینکه حالت حقوقی بازرگان مورد توجه است عواقب کیفری نیز به منظور مجازات بازرگان ورشکسته بوجود می آید

: ورشکستگی به تقصیر

تقصیر یا خطا از نظر حقوقی حالت فقدان سوء نیت است و در قوانین جزائی مواردی هست که از فرد بدون قصد و نیت مجرمانه عملی سر میزند که استحقاق کیفر را دارد. این قبیل جرائم، جرائم غیر عمد نامیده می شوند، در قانون تجارت ورشکستگی به تقصیر جرم از درجه جنحه تلقی و مجازات آن از شش ماه تا سه سال حبس تادیبی تعیین شده است. ورشکستگی به تقصیر از نظر حکم کیفری دو حالت دارد، به این معنی که در حالت اول دادگاه مخیر به صدور حکم است و در حالت دوم ناگزیر و ملزم به صدور حکم کیفری است

: موارد حالت تخییری طبق ماده ۵۴۲ ق.ت. باین شرح بیان شده است

در موارد زیر هر تاجر ورشکسته ممکن است ورشکسته به تقصیر اعلام شود، اگر به حساب دیگری و بدون آنکه در مقابل عوضی دریافت نماید تعهداتی کرده باشد که نظر به وضعیت مالی او در حین انجام آنها تعهدات فوق العاده باشد

اگر عملیات تجاری او متوقف شده و در ظرف سه روز اعلام ورشکستگی نکند

اگر دفتر نداشته یا دفاتر او ناقص یا بی ترتیب بوده یا در صورت دارائی وضعیت حقیقی خود را اعم از قروض و مطالبات بطور صریح معین نکرده باشد. موارد حالت الزامی بموجب ماده ۵۴۱ ق.ت. باین طرز آمده است، باین معنی : که تاجر در موارد ذیل ورشکسته به تقصیر اعلان می شود

در صورتیکه محقق شود مخارج شخصی یا مخارج خانه مشارالیه در ایام عادی بالنسبه به عادی اوفوق العاده بوده است

در صورتیکه محقق شود که تاجر نسبت به سرمایه خود مبالغ عمده ای صرف معاملات کرده که در عرف تجارت موهوم یا نفع آن منوط به اتفاق شخص است

اگر بقصد تاخیر انداختن ورشکستگی خود خریدی بالاتر یا فروشی نازلتر از مظنه روز کرده باشد یا اگر بهمان قصد و سائلی که دور از صرفه است بکار برده تا تحصیل وجهی نماید اعم از این که از راه استقراق یا صدور برات یا بطریق دیگر باشد

اگر یکی از طلبکارها را پس از تاریخ توقف بر سایرین ترجیح داده و طلب او را پرداخته باشد تقاضای تعقیب و محکومیت بازرگان ورشکسته یا از طرف یکی از بستانکاران یا دادستان یا مدیر تصفیه به شرط تصویب اکثریت بستانکاران به عمل می آید و مرجع آن دادگاه جنحه است

: ورشکستگی به تقلب

تقلب عنصر قانونی یک سلسله از جرائم است که مبتنی بر سوءنیت می باشند مثل کلاهبرداری و کم فروشی و جعل نظائر اینها. قانون تجارت انجام اعمال زیر را از طرف بازرگان تقلب تشخیص و ورشکستگی ناشی از آنرا ورشکستگی به تقلب و مستلزم مجازات دانسته است

این نوع ورشکستگی جرم از درجه جنائی تلقی و مجازات آن مطابق ماده ۲۳۶ قانون مجازات عمومی حبس مجرد از سه تا پنج سال تعیین گردیده است. ورشکستگی به تقلب طبق ماده ۵۵۹ ق.ت. باین شرح بیان شده است هر تاجر ورشکسته که دفاتر خود را مفقود یا قسمتی از دارائی خود را مخفی کرده یا به طریق مواضعه و معاملات ((صوری از میان برده و همچنین هر تاجر ورشکسته که خود را بوسیله اسناد یا بوسیله صورت دارائی و قروض بطور ((تقلب به میزانی که در حقیقت مدیون نمی باشد، مدیون قلمداد نماید

نتایج حکم ورشکستگی

:نتایج حکم ورشکستگی شامل موارد زیر است

سلب اختیارات بازرگان ورشکسته نسبت به حقوق و اموال، ممنوعیت از مداخله در دعاوی، بطلان معاملات، حال شدن دیون مؤجل، سقوط حق تعقیب انفرادی بستانکاران، تادیه و تامین مطالبات، سلب اعتبار، محرومیت از حقوق -سیاسی، سلب اختیارات

بموجب ماده ۴۱۸ قانون تجارت تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است

در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته که استفاده از آن مؤثر دیون او باشد مدیر تصفیه قائم مقام قانونی ورشکسته بوده و حق دارد بجای او از اختیارات و حقوق مزبور استفاده کند. بنا براین از بازرگان ورشکسته نسبت به مداخله در تمام اموال و حقوق مالی خود سلب اختیار میشود و این اختیار به مدیر تصفیه تفویض میگردد. اموال شامل کلیه دارائی بازرگان موجود در تاریخ ورشکستگی و عوایدی است که بعد از آن تاریخ حاصل شود

حقوق مالی بازرگان ورشکسته یا از جمله حقوق عینی است مانند حق وثیقه و رهن، حق ارتفاق، حق انتفاع و نظائر اینها یا از جمله حقوق غیر عینی است مانند حق شفعه و خیار و اشباه اینها

معدالک حق بازرگان نسبت به البسه و اثاثیه ضروری خود و خانواده خود و همچنین مقدار وجهی که اعاشه خود و خانواده ویرا تامین نماید پس از صدور حکم ورشکستگی نیز همچنان، باقی است

سلب اختیارات بازرگان ورشکسته نسبت به اموال و حقوق مالی خود ممنوعیت وی از هر نوع عملی است که موجب تغییر در دارائی وی گردد از قبیل پرداخت بدهی یا وصول طلب یاتهاتر و نظائر اینها که بمنظور تامین مطالبات بستانکاران وضع و تشریح گردیده است

اما لازم بتذکر است که سلب اختیار مالی نه بمعنی سلب مالکیت است و نه به معنی حجر و عدم اهلیت، به این معنی که خود تاجر مالک اموال و حقوق مالی خود می باشد ولی در مقام اجرای حقوق قائم مقام قانونی وی عمل می کند و همچنین اگر تعهدی نماید از جهت وجود شرایط اساسی صحت معاملات اصولاً صحیح است ولی نسبت به بستانکاران نافذ و معتبر نیست و تعهد مزبور تسری به اموال و حقوق مالی تاجر نمیکند النهایه پس از ختم ورشکستگی الزام آور خواهد بود

: دعاوی ورشکسته

بموجب ماده ۴۱۹ قانون تجارت ((از تاریخ حکم ورشکستگی هر کسی نسبت به تاجر ورشکسته دعوائی از منقول یا غیرمنقول داشته باشد باید بر مدیر تصفیه اقامه یا بطرفیت او تعقیب کند. کلیه اقدامات اجرائی نیز مشمول همین دستور ((خواهد بود

دعوائی که بر علیه تاجر ورشکسته در جریان رسیدگی بوده یا بعداً طرح و اقامه شود باید بطرفیت مدیر تصفیه باشد و این دعای بر دو نوع است یا مربوط به اموال و حقوق مالی اعم از منقول و غیر منقول است یا مربوط به حقوق غیر مالی. در حقوق مالی اعم از اینکه تاجر ورشکسته خوانده و یا خواهان بوده و یا بعداً طرف دعوی قرار گیرد وظیفه

تعقیب یا اقامه دعوی بر عهده مدیر تصفیه است و نسبت به حقوق غیر مالی باید قائل به تفکیک شد. باین معنی که اگر حقوق غیر مالی منجر به نتایج مالی گردد بطوریکه در حقوق و مطالبات بستانکاران تاثیر داشته باشد باز تاجر ورشکسته ممنوع از مداخله است مثلاً اگر بر علیه وی اقامه دعوی نکاح یا نسب بشود که نتیجتاً مؤثر در وضع مالی بازرگانی باشد مدیر تصفیه مداخله خواهد کرد ولی دعاوی مانند ولایت یا قیمومت که جنبه غیر مالی محض داشته باشد تاجر ورشکسته ممنوع از طرح یا دفاع نخواهد بود. بنابراین ضابطه کلی تاثیر یا عدم تاثیر دعاوی در وضع مالی بازرگان ورشکسته است.

معدالک قانون اجازه داده است که بنا به تشخیص دادگاه خود بازرگان ورشکسته به عنوان شخص ثالث در دعوی وارد بشود. زیرا ممکن است ورود بازرگان و توضیحات وی در قضیه مطروحه مؤثر باشد. همین معنی است که در ماده ۴۲۰ ق.ت. باین نحو بیان شده است: ((محکمه هر وقت صلاح بداند میتواند ورود تاجر ورشکسته را بعنوان ((شخص ثالث در دعاوی مطروحه اجازه دهد

.بهر صورت در تمام دعاوی مدیر تصفیه حق دخالت دارد چه بعنوان مدعی یا مدعی علیه و چه بعنوان شخص ثالث : بطلان معاملات

معاملات تاجر ورشکسته یا قبل از توقف و یا بعد از آنست

در خصوص معاملات قبل از توقف یعنی دوره ای که وضع مالی تاجر مختل و مبهم و محتمل بر ورشکستگی است ماده ۴۲۴ وضعی را پیش بینی کرده است که در نتیجه اقامه دعوی از طرف مدیر تصفیه یا بستانکاری بر اشخاصی که با تاجر طرف معامله بوده اند))... ثابت شود که تاجر متوقف قبل از تاریخ توقف خود برای فرار از ادای دین یا برای اضرار طلبکارها معامله ای نموده که متضمن ضرری بیش از ربع قیمت حین معامله بوده است آن معامله قابل ((فسخ است مگر اینکه طرف معامله قبل از صدور حکم فسخ تفاوت قیمت را بپردازد بدیهی است که امکان فسخ معامله قبل از توقف تاجر منحصر به معلوم شدن در اثنای دعوی نیست بلکه هر وقت به) مدیر تصفیه معلوم گردد که معاملات سابق تاجر برای فرار از دین و بمنظور اضرار بستانکاران بوده حق اقامه (دعوی فسخ معامله را خواهد داشت

در مقام اقامه دعوی برای فسخ چنین معاملاتی از ماده ۲۱۸ قانون مدنی استفاده میشود که میگوید: ((هر گاه معلوم شود که معامله به قصد فرار از دین واقع شده، آن معامله نافذ نیست)) و چون عدم نفوذ غیر از بطلان است با توجه به ماده ۴۲۴ قانون تجارت که معامله را قابل فسخ دانسته و تلفیق هر دو ماده با هم معلوم میشود که مدیر تصفیه مخیر در فسخ و بطلان یا تنفیذ معامله است. معهذا شرط ناشی از ماده ۴۲۴ این است که معامله مزبور متضمن ضرری بیش از ربع قیمت حین معامله باشد و ظرف دو سال از تاریخ معامله اقامه دعوی آید. بهر صورت اقدام مدیر تصفیه در این خصوص باید مبتنی بر رعایت مصالح بستانکاران باشد

علاوه بر مورد فرار از دین که ارکان معامله صحیح معدلک چون بقصد اضرار طلبکاران است قابل فسخ و بطلان است مواردی هم در معاملات قبل از توقف تاجر دیده میشود که فاقد شرایط اساسی صحت معاملات است. در اینصورت اثبات فرار از دین ضرورت ندارد بلکه بموجب ماده ۴۲۶ ق.ت. ((اگر در محکمه ثابت شود که معامله بطور صوری یا مسبوق به تیبانی بوده است آن معامله خود بخود باطل عین و منافع که موضوع معامله بوده مسترد طرف معامله اگر طلبکار شود جزو غرما حصه خواهد بود.)) در چنین مواردی شرط ربع قیمت حین معامله و مدت دو سال برای اقامه دعوی ضرورت ندارد

: در خصوص معاملات بعد از توقف ماده ۴۱۳ چنین مقرر داشته است

: ((هر گاه تاجر بعد از توقف معاملات ذیل را بنماید باطل و بلا اثر خواهد بود))

.هر صلح محاباتی یا هبه و بطور کلی هر نقل و انتقال بلاعوض اعم از اینکه راجع به منقول یا غیر منقول می باشد تادیه هر قرض اعم از حال یا مؤجل بهر وسیله که بعمل آمده باشد

.هر معامله که مالی از اموال منقول یا غیر منقول تاجر را مقید نماید و بضرر طلبکاران تمام شود

علاوه بر این ماده ۵۵۷ مقرر داشته است که: کلیه قراردادهائی که پس از تاریخ توقف تاجر منعقد شده باشد نسبت به هر کس حتی خود تاجر ورشکسته محکوم به بطلان است، طرف قرارداد مجبور است که وجوه یا اموالی را که بموجب قرارداد باطل شده دریافت کرده است به اشخاص ذیحق مسترد دارد

با توجه به مادیتین مزبور این بحث پیش می آید که اگر ((کلیه قراردادهای)) باطل است دیگر لزومی به تعیین موارد سه

گانه مندرج در ماده ۴۲۳ که شامل ((بعضی از قراردادها)) است نبود. اما در مقام تحقیق باید گفت که ماده ۵۵۷ ناظر به قراردادهای مندرج در ماده ۵۵۶ یعنی قراردادهایی است که مدیر تصفیه با شخص ورشکسته یا با دیگری منعقد سازد که به ضرر طلبکارها یا بعضی از آنها و به نفع خود وی باشد.

دلیل استنباط مزبور اینست که اولاً مقنن با وضع ماده ۴۲۳ راجع به معاملات بعد از توقف فراغت حاصل کرده ثانیاً وضع دو ماده خاص و عام متناقض بر خلاف اصول شان قانون گذاری است ثالثاً قید کلمه قرارداد که همان اصطلاح مندرج در ماده ۱۰ قانون مدنی است نشان میدهد که نظر مقنن بر « عقود و معاملات » نبوده رابعاً ماده ۵۵۷ در فصل مخصوص (جنحه و جنایاتی که اشخاص غیر از تاجر ورشکسته در امر ورشکستگی مرتکب میشوند) ذکر گردیده و منصرف به قراردادهای مربوط باین امر است و الا در ضمن موارد مربوط به « بطلان معاملات » ذکر میشود.

بنابراین معاملات محکوم به بطلان تاجر پس از توقف معاملاتی است که اولاً در ماده ۴۲۳ ذکر شده و ثانیاً با استفاده از ماده ۴۲۴ و ۴۲۶ و تنقیح مناط و قیاس اولویت معاملاتی است که با علم و اطلاع متعامل به توقف بازرگان و بضرر بستانکاران انجام گیرد و یا صوری و مسبوق بر تبانی باشد. مثلاً انتقالات بلاعوض پس از توقف محکوم به بطلان است. بنابراین مفهوم مخالف آن اینست که انتقال معوض مثل فروش قسمتی از اموال باطل نیست ولی همانطور که انتقال بمنظور اضرار بستانکاران پیش از توقف باطل بود بطریق اولی پس از توقف نیز باطل است.

اینک بشرح شقوق سه گانه ماده ۴۲۳ می پردازیم

: صلح محاباتی

ریشه محابات حبا و حبه بمعنی عطا و عطیه است و صلح محاباتی عقد انتقال عین یا منفعتی است در برابر عوض ناچیز مثل یک ریال وجه یا یک سیرنبات. چنین صلحی از طرف تاجر ورشکسته چون بضرر بستانکار است باطل میباشد زیرا آن بقدری ناچیز است که در واقع جنبه اعطائی مانند بخشش دارد.

: هبه

. هبه مصدر و بمعنی بخشش و انتقال بدون عوض است و چنین عقدی هم چون بضرر بستانکاران است باطل می باشد.

: نقل و انتقال بلاعوض

شامل کلیه عقود و معاملاتی میشود که تاجر ورشکسته با انتقال عین یا منفعت عوضی دریافت نمیدارد. بهمین قیاس هر نوع ایجاد حق برفع دیگری مثل حق انتقاع و یا هر نوع اهداء و اعطاء و صدقه و جایزه و نظائر اینها و همچنین وقف و اشباه آن از طرف تاجر ورشکسته پس از توقف باطل است

: تادیه قروض

واضح است که تادیه هر قرضی اعم از اینکه موعده رسیده یا نرسیده باشد خلاف اصل تساوی بستانکاران است و ای بسا که تاجر با تبانی قسمتی از بدهی های خود را چه در دوره پیش از توقف و چه پس از آن بپردازد و بعضی از بستانکاران بجای آنکه داخل در غرماء شوند طلب خود را صد درصد دریافت دارند، این امر بضرر سایر بستانکاران و باطل است

: مقید ساختن اموال

این عنوان شامل مواردی است که تاجر ورشکسته قسمتی یا تمام اموال خود را وثیقه بگذارد یا تضمین دهد یا رهن کند و بالاخره عقدی واقع سازد که بستانکار دارای وثیقه شود و چون در این حالت ایجاد حق رجحان برای بستانکار گردیده و اصل تساوی را از بین برده و بالنتیجه بضرر بستانکاران است عقد یا عقود مربوط باطل و بلا اثر است.

: حال شدن دیون مؤجل

بموجب ماده ۴۲۱ قانون تجارت « همینکه حکم ورشکستگی صادر شد قروض مؤجل با رعایت تحقیقات مقتضیه « نسبت به مدت به قروض حال مبدل می شود

گرچه قرض یا وام عقدی است که مدت جزء شرایط اساسی آن ذکر نشده ولی اصولاً قرض بدون مدت متصور نیست الزمناً در بعضی موارد مدت با اختیار مقرر (بستانکار) و آن را اصطلاحاً عندالمطالبه می گویند. در امور بازرگانی مطالبات اکثر مؤجل یا مدت دار (۱) است. بنابراین به مجرد صدور حکم ورشکستگی این قبیل دیون یعنی بدهی های تاجر حال (۲) می شود به این معنی که مدت از بین رفته و لازم التادیه میگردند.

علت این دستور این است که چون اولاً وام به اعتبار داده می شود و چون اعتبار بازرگان ورشکسته ساقط می گردد

دیگر انتظار سررسیدن وام بیوجه است و ثانیاً چون امر تصفیه نمی تواند راكد بماند و موكل به حلول مدت وام شود و ثالثاً تساوی در بین بستانكاران حاصل میگردد لذا این قانده وضع شده است
حال شدن دیون موكل بازرگان شامل تمام قروض اعم از عادی یا با وثیقه است و همچنین اعم از نیست که بدهی های
. تاجر بابت معاملات تجارتي باشد یا غیر آن

مطلب دیگری که در ماده ۴۲۱ ذکر شده این است که با از بین رفتن مدت موضوع پرداخت بهره و سود پول نیز از
بین می رود و از این جهت است که به مجرد صدور حکم توقف هیچ یک از بستانكاران اعم از با وثیقه یا بدون وثیقه
حل مطالبه یا بهره و ربح پول را ندارند

: حق تعقیب انفرادی

با توجه به ماده ۳۱۹ قانون تجارت که می گوید هر نوع دعوی بر علیه تاجر برشكسته به طرفیت مدیر تصفیه اقامه
میشود و با دقت در ماده ۴۱۸ که از تاجر ورشكسته سلب اختیار می شود و با استنباط از روح قانون نتیجه گرفته می
شود که بستانكاران بازرگان ورشكسته نباید به طور انفرادی بر علیه بازرگان اقامه دعوی نمایند. زیرا اگر چنین امری
تجویز بشود هم حکم ورشكستگی بیوجه می گردد و هم عدم تساوی بین بستانكاران ایجاد می شود
درست است که هر بستانكاری حق دارد علیه مدیر تصفیه اقامه دعوی نماید ولی با توجه به مقررات تصفیه که بدون
دعوی هم مطالبات اشخاص تشخیص و تعیین و طبق قاعده غرمانی تقسیم می گردد حاجتی به طرح دعوی نیست.
مگر اینکه مدیر تصفیه قبول نکند یا اختلاف در کمیت و کیفیت باشد

تادیه و تامین مطالبات - به موجب ماده ۴۲۲ قانون تجارت « هر گاه تاجر ورشكسته طلبی دارد و یا براتی صادر
کرده که قبول نشده یا براتی را قبولی نوشته سایر اشخاصی که مسئول تادیه و وجه طلب یا برات میباشد باید با رعایت
. تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت وجه آن را نقداً بپردازند یا تادیه آن را در سر و عده تامین نمایند
مطابق این دستور مطالبات بازرگان ورشكسته از اشخاص حال می شود و باید با کسر نزول مدت آن را نقداً بپردازند
یا با دادن وثیقه و تامین مالی یا تضمین پرداخت آن را در سر رسید تامین نمایند
سلب اعتبار - با صدور حکم ورشكستگی اعتبار تاجر از بین می رود و اعاده اعتبار موقت به پایان ورشكستگی و رعایت
مقررات خاصی است که در باب سازمان تصفیه از آن بحث خواهد شد
محرومیت از حقوق سیاسی - این نوع محرومیت در قوانین و مقررات خاص عنوان شده است که بازرگان ورشكسته
محروم از انتخاب کردن یا انتخاب شدن و عضویت در هیئت تصفیه و نظائر اینهاست. بدیهی است که در ورشكستگی
عادی پیش از اعاده اعتبار این محرومیت هم از بین میرود ولی در ورشكستگی به تقصیر یا تقلب مادامیکه از جنبه
جزائی اعاده حیثیت نشده محرومیت سیاسی هم باقی خواهد بود

تصفیه امور ورشكستگی

قوانین اولیه که در موضوع تصفیه امور ورشكستگی در ایران وضع و اجرا می شد قوانین ۲۵ بهمن ۱۳۰۳ و ۱۲
خرداد ۱۳۰۴ بود که به موجب آن دادگاه صادر کننده حکم ورشكستگی یک یا چند نفر را به طور موقت انتخاب می
کرد و سپس جلسه ای با حضور آنها و بستانكاران تشکیل می داد و هیئت تصفیه را با جلب نظر بستانكاران تعیین و
آنها را مامور تصفیه امور بازرگانان ورشكسته می کرد
این مقررات جاری بود تا اینکه قانون تجارت ۱۳۱۱ تصویب و به موقع اجرا گذارده شد که به موجب آن ضمن حکم
ورشكستگی یک یا چند نفر به عنوان مدیر تصفیه و یک نفر به عنوان عضو ناظر انتخاب میشوند و امر تصفیه را به
عهده می گرفتند

پس از آنکه ضرورت تاسیس اداره ای بر تصفیه امور ورشكستگی احساس شد قانون مستقل تصفیه امور ورشكستگی
در ۲۴ تیرماه ۱۳۱۸ تصویب شد که به موجب آن « سازمان اداره تصفیه » بوجود آمد. به موجب ماده ۶۰ این قانون
وزارت دادگستری آیین نامه مربوط به این قانون را تهیه کرد

به این ترتیب در نقاطی که اداره تصفیه تشکیل شده مثل پایتخت و مراکز مهم قضائی اداره مذکور مامور تصفیه امور
ورشكستگی است ولی در نقاطی که این اداره تا کنون تاسیس نشده در هر مورد که حکم ورشكستگی بازرگانی صادر
میشود مدیر تصفیه و عضو ناظر از طرف دادگاه تعیین می گردد

در این قبیل موارد مدیر تصفیه مامور انجام تصفیه طبق مقررات قانون تجارت بوده و اگر در آن قانون تعیین و
تکلیف نشده باشد با توجه به قانون تصفیه امور ورشكستگی و آیین نامه مربوطه عمل میکند و اگر بین مدیر تصفیه و

ناظر اختلافی پیدا شود رفع اختلاف با دادگاه است و نیز وجه وصولی به صندوق دادگستری محل تحویل می شود که برای پرداخت های لازم و تقسیم بین بستانکاران بوسیله مدیر تصفیه مورد استفاده قرار گیرد در قانون تجارت از ماده ۴۲۷ تا ۵۶۰ مقررات مربوط به تصفیه امور ورشکستگی مندرج است و قانون تصفیه مشتمل بر ۶۰ ماده و آیین نامه آن محتوی ۶۷ ماده است آثار مقررات تصفیه - از نظر کلی و عمومی اجزای مقررات تصفیه ورشکستگی دارای آثار و نتایجی است که عمده ترین آنها به قرار زیر می باشد :

۱- صدور حکم ورشکستگی تاجر پس از رسیدگی و احراز توقف واقعی وی با قید تاریخ توقف اجرای حکم ورشکستگی بلافاصله پس از صدور ولی به طور موقت محفوظ بودن حق اعتراض و پژوهش و فرجام نسبت به حکم ورشکستگی ممنوعیت مداخله تاجر در امور تجاری و مالی خود تبدیل اقدام فردی بستانکاران به اقدام مدیر تصفیه به قائم مقامی هیئت بستانکاران دخالت و تصرفات مدیر تصفیه در کلیه اختیارات و حقوق مالی ورشکسته قرار گرفتن کلیه اوراق و اسناد و دفاتر تاجر ورشکسته ایجاد تساوی بین بستانکاران ایجاد حالت غرمالی در تقسیم مطالبات بطلان معاملات و انتقالاتی که از طرف بازرگانان ورشکسته بضرر بستانکاران انجام شود اقامه دعاوی و دفاع از دعاوی و اقدامات اجرائی مربوط به تاجر ورشکسته بوسیله مدیر تصفیه یا بطرفیت وی تبدیل قروض مؤجل به حال و موقوف ماندن خسارت دیر کرد سازمان تصفیه

به موجب ماده اول قانون تصفیه ۲۴ تیرماه ۱۳۸۱ در هر حوزه دادگاه شهرستان که وزارت دادگستری مقتضی بداند اداره تصفیه برای رسیدگی به امور ورشکستگی تاسیس می نماید و در این موارد عضو ناظر تعیین خواهد شد هر اداره رئیس و کارمندی لازم دارد، به این جهت در ماده ۲ تصریح شده است که رئیس و کارمندان اداره تصفیه از بین خدمتگزاران قضائی یا اداری یا غیر خدمت گذاران دولت انتخاب می شود :

اداره تصفیه به موجب ماده اول آئین نامه قانون تصفیه دارای دفاتر زیر است

دفتر فهرست ورشکستگان. ۲-دفتر فهرست ماموریت های تصفیه ۳-دفتر روزنامه ۴-دفتر صندوق ۵-دفتر کل ۶-دفتر ۱-تراز نامه آزمایش ۷-دفتر نماینده نامه های وارده و صادره

در تهران علاوه بر اداره تصفیه تهران بموجب مقررات سازمانی وزارت دادگستری یک « اداره کل تصفیه » که از ادارات کل تابعه وزارت دادگستری به شمار می آید تاسیس شده که نظارت و راهنمایی ادارات تصفیه تهران و شهرستان ها را به عهده دارد

علاوه بر سازمان اداری و دفتری به موجب ماده ۵۱ قانون تصفیه در هر اداره تصفیه دو صندوق به اسامی « صندوق الف » و « صندوق ب » وجود دارد که زیر نظر اداره حسابداری تصفیه است

به موجب ماده ۵۲ درآمد صندوق الف عبارت از جوهی است که بعنوان هزینه امور ورشکستگی دریافت می شود. این درآمد بموجب آئین نامه هیئت وزیران تعیین خواهد شد

آئین نامه مزبور بشکل تصویب نامه هیئت وزیران مورخ ۱۳۱۹/۲/۱۴ مقرر داشته است که پس از آنکه حاصل دارائی ورشکسته اعم از آنچه که در موقع برداشتن صورت اموال موجود بوده یا آنچه که بعداً مشخص شده معلوم گردیده قبل از تقسیم وجوه حاصله بین صاحبان سهام، اداره تصفیه مبلغی بعنوان هزینه امور ورشکستگی بشرح زیر احتساب و برداشت خواهد نمود

تا صد هزار ریال صدی هشت - نسبت به مازاد از صد هزار ریال تا پانصد هزار ریال صدی هفت - نسبت به مازاد از پانصد هزار ریال صدی شش

علاوه بر این اداره تصفیه هزینه های مربوط به اقامه دعاوی و انعقاد معاملات و پرداخت مالیات ها و عوارض و اداره کردن اموال و مطبوعات و غیره را قبل از تقسیم وجوه حاصله از دارائی تاجر ورشکسته کسر خواهد کرد

بنابراین درآمد صندوق الف به مصرف سازمان و برداشت هر گونه هزینه که اداره تصفیه امور ورشکستگی لازم داشته باشد خواهد رسید. (ماده ۵۳ قانون تصفیه

: به موجب ماده ۵۴ درآمد صندوق ب عبارت است از

صدی بیست و پنج به حقوقی که بموجب قانون ثبت شرکتها مصوب دوم خرداد ۱۳۱۰ و ماده ۱۱ قانون تجارت برای امضاء دفاتر تجاری تعلق میگیرد اضافه شده و این اضافه به صندوق ب متعلق است

مبلغ موضوع اعتراض نامه که موجب ماده ۳۹۳ قانون تجارت تنظیم می شود از قرار هر ده ریال ده دینار گرفته شده که نصف آن جزو درآمد عمومی کشور منظور و نصف دیگر آن متعلق به صندوق ب خواهد بود

اقدامات اداری : سازمان تصفیه برای تنظیم و اجرای صحیح وظائف و اقدامات خود بوسیله کارمندان قضائی عملیات تصفیه (۱) و به وسیله کارمندان دفتری و حسابداری و مامورین اجرایی عملیات اداری که بطور مستقیم یا غیر مستقیم با امر تصفیه ارتباط دارد انجام می دهد

اختیارات و وظائف قضائی و اداری سازمان تصفیه ضمن قانون و آئین نامه و بخشنامه های وزارتی و اداری تعیین شده است. معذالک در ماده ۱۲ قانون تصفیه تصریح گردیده که در موارد سکوت قانون و آئین نامه ها بر طبق قانون تجارت اقدام خواهد شد

به منظور اینکه اقدامات اداری و قضائی تصفیه دارای نظم و نسق واحدی باشد در ماده ۲ آئین نامه مورخ ۱۲ بهمن ماه ۱۳۱۸ مقرر شده است که

اداره تصفیه باید دارای « برگ های نمونه » برای امور زیر باشد

برگ صورت مجلس ۲- برگ صورت دارائی ۳- برگ صورت ادعای بستانکاران ۴- برگ دعوت بستانکاران ۵- برگ طبقه بندی بستانکاران ۶- برگ انتقال دعاوی مشکوک ۷- برگ مزایده ۸- برگ هزینه ها و تقسیم وجوه حاصله ۹- برگ اعلام صورت تقسیم وجوه حاصله ۱۰- سند عدم کفایت دارائی ۱۱- آگهی های مربوط به شروع عمل ورشکستگی و طبقه بندی بستانکاران و خاتمه ورشکستگی

قهری است که تنظیم امور ایجاب می کند که به مجرد وصول حکم ورشکستگی حکم مذکور در فهرست ورشکستگان ثبت و پرونده ای تشکیل شود و بعداً اوراق مربوط به ورشکسته از قبیل نامه های صادره و وارده و درخواست های بستانکاران و دستورات اداره تصفیه و نتایج دعاوی و نظائر اینها در پرونده مزبور منعکس می گردد ولی اوراق بهادار و اسناد در صندوق ضبط می شود

بالاخره به موجب ماده ۷ قانون تصفیه « کلیه عملیات اداره تصفیه و تقاضا ها و اعلاماتی که به آن اداره می شود باید در صورت مجلس نوشته شود

مقررات انتظامی - نظر بر اینکه رئیس اداره تصفیه و قائم مقام او و کارمندان قضائی اداره مذکور در تصفیه امور ورشکستگی در واقع کارقضائی انجام می دهند و اقدامات و دستورات آنان در حدود قانون لازم الاجراء است لذا مقتضی برای موارد اعتراض به صلاحیت رئیس و کارمندان قضائی و اعتراض به اقدامات و عملیات آنان مقرراتی وضع کرده است

به موجب ماده ۳ قانون تصفیه موارد رئیس و قائم مقام او و محاسبین اداره تصفیه همان است که در رد دادرسی در اصول محاکمات حقوقی ذکر شده است. و در صورتی که کارمندی این ایراد را موجه بداند رئیس کارمند دیگری را برای این کار مأموریت می دهد و چنانچه کارمند ایراد را رد کند قبول یا رد ایراد بنظر رئیس است در مواردی که کارمند خود را مردود میداند از هرگونه اقدامی خود داری کرده و مراتب را به رئیس اطلاع داده امر او را به موقع اجرا می کند

در صورتی که رئیس مردود شود کارمند مقدم اداره وظایف او را انجام خواهد داد و چنانچه رئیس ایراد را نسبت به خود قبول ننماید تعیین تکلیف با دادگاه است

به موجب ماده ۵ مرجع شکایت از اقدامات اداره تصفیه دادگاهی است که حکم توقف را صادر کرده است. شکایت به هیچ وجه جریان کار را توقیف نمی کند مگر در موارد مهم که اگر عمل مورد شکایت جبران ناپذیر و ادله شاکی قوی باشد دادگاه میتواند دستور جلوگیری بدهد. در این صورت دادگاه مکلف است معجلاً و خارج از نوبت در جلسه اداری به شکایت رسیدگی کرده تصمیم خود را اعلام دارد و در سایر موارد دادگاه در صورت موجه تشخیص دادن شکایت دستور لازم به اداره تصفیه میدهد و با قضای مورد ممکن است عمل اداره تصفیه را باطل نماید

بالاخره به موجب ماده ۴ هر گاه کارکنان اداره تصفیه یا کسانشان تا درجه دوم از طبقه دوم نسبت بدارائی ورشکسته
بمنفع خود طرف معامله واقع شوند آن معامله باطل است و متخلف تعقیب انتظامی خواهد شد
وظائف و اقدامات اداره تصفیه

کلیه وظائف و اقدامات اداره تصفیه از زمانی شروع می شود که رونوشت حکم ورشکستگی از طرف دادگاه صادر
کننده به آن اداره برسد.

این معنی از ماده ۸ و ماده ۱۳ قانون تصفیه بر می آید ولی در مواد مزبور چنین قید شده است که « همین که حکم
ورشکستگی قابل اجرا شد » اداره تصفیه اقدامات لازم بعمل می آورد

این موضوع با ماده ۴۱۷ که تصریح کرده « حکم ورشکستگی بطور موقت اجراء می شود » ظاهراً مغایرت دارد
ولی اشکال به این طریق است که ورشکستگی پس از صدور قابل اجراء است نه اینکه مانند سایر احکام پس از
قطعیت یعنی طی مراحل اعتراض و پژوهش قابل اجراء باشد و جمله « بطور موقت » مندرج در ماده ۴۱۷ به این
منظور است که توهم نشود که مادام که حکم قطعی نگردیده اجراء نخواهد شد معذک به عبارت مواد ۸ و ۱۳
« بشرح زیر انشاء میشود: » همینکه حکم ورشکستگی صادر شد قابل اجرا است

برای اینکه اقدامات تصفیه ممکن الاجراء گردد پیش از همه چیز باید ورشکسته در اختیار اداره تصفیه مقرر داشته :
« ورشکسته مکلف است اموال و دفاتر خود را به اداره تصفیه معرفی نموده و در تحت اختیار آن بگذارد

بعلاوه مطابق همین ماده اگر ورشکسته فوت نموده یا فراری باشد اشخاص زیرباید دفاتر و اموال ورشکسته را در
اختیار اداره تصفیه قرار دهند

ورثه بازرگان ورشکسته

شرکاء وی

خدمه و متصدیان امور وی

کلیه اشخاصی که به نحوی از انحاء در اموال ورشکسته تصرف و دخالت دارند. در صورتی که خود ورشکسته یا افراد
مزبور در فوق تکلیف مندرج در ماده ۱۴ را انجام ندهند به سه ماه تا شش ماه زندان تادیبی محکوم خواهند شد

مسلم است که اداره تصفیه باید مدلول ماده ۱۴ را به افراد مزبور بوسائل مقتضی تذکر و در صورت عدم انجام آن
بوسیله دادرسی افراد نامبرده را تحت تعقیب کیفری قرار دهد

: بالجمع وظائف و اقدامات اداره تصفیه عبارتست از

اقدامات تامینی و حفاظتی اسناد و اموال

صورت برداری از اموال ورشکسته

تعیین تکلیف اموال و حقوق و اسناد اشخاص ثالث

مستثنیات دین و نفقه بازرگانان ورشکسته

دعوت بستانکاران و بدهکاران

تصفیه اختصاری

ادامه کار و اداره اموال

رسیدگی به مطالبات و تشخیص بدهی ها

فروش اموال و تقسیم وجوه حاصله

مدت تصفیه

خاتمه ورشکستگی و اعلان آن

اعاده اختیار

: اقدامات تامینی و حفاظتی اسناد و اموال

در ماده ۴۶۱ ق.ت. گفته شده است که: « مدیر تصفیه مکلف است از روز شروع به ماموریت برای حفظ حقوق تاجر

ورشکسته اقدامات تامینی علیه مدیونین او بعمل آورد

حقوق بازرگان ورشکسته بر عهده بستانکاران شامل کلیه حقوق دینی و عینی خواهد بود. بنابراین باید برای حفظ این

حقوق اقدامات تامینی از طرف مدیر تصفیه بعمل آید

گر چه نظیر این تکلیف در مواد قانون و آئین نامه اداره تصفیه امور ورشکستگی دیده نمی شود ولی چون در ماده ۱۲ قانون تصفیه ذکر شده است که در مورد سکوت قانون تصفیه و آئین نامه مربوط بر طبق قانون تجارت اقدام خواهد شد بنابراین مسلم است که اقدامات تامینی به منظور حفظ حقوق بازرگان ورشکسته از وظایف اداره تصفیه می باشد حقوق تاجر ورشکسته شامل حقوقی مالی اعم از حال مؤجل است و باید اداره تصفیه با اقدامات قضائی و اداری نسبت به حفظ وصیانت آنها اقدام نماید و هر عمل قانونی از قبیل طرح دادخواست و صدور اجرائیه و نظائر اینها ضرورت داشته باشد انجام دهد

در تالیف همین مطلب است که ماده ۱۱ قانون تصفیه مقرر داشته است که: « اداره تصفیه در صورت لزوم میتواند برای اقدامات مأمینی بدوی باعتبار دارائی موجود ورشکسته استقراض نماید

علاوه بر اقدامات تامینی یک سلسله اقدامات حفاظتی هم ضرورت داد که با توجه به مواد ۴۳۳ تا ۴۳۹ ق.ت. و مواد ۹ تا ۲۲ قانون تصفیه عبارتست از: حفاظت کلیه اسناد و دفاتر و اموال و دارائی بازرگان ورشکسته در این خصوص ماده ۵۳۸ ق.ت. می گویند

انبارها و حجره ها و صندوق و اسناد و دفاتر و نوشتجات و اسباب و اثاثیه تجارخانه و منزل تاجر باید مهر و موم « شود

: و موارد مربوط به حفاظت مزبور در قانون تصفیه بشرح زیر است

اداره تصفیه صورتی از اموال ورشکسته برداشته اقدامات لازمه از قبیل مهر و موم برای حفظ آنها بعمل می آورد اداره تصفیه اقدام به بستن و مهر و موم نمودن انبارها، مغازه ها، کارخانجات می نماید مگر اینکه بتواند تحت نظارت خود آنها را اداره نماید

همچنین بوسائل مقتضی اقدام به حفاظت کالا، پول نقد، برگها بهادار، دفاتر تجاری و هر چیز قیمتی دیگر مینماید و سایر اموال راتا وقتی که صورت آنها برداشته نشده مهر و موم نموده و مهر و موم تا موقعیکه اداره آن را لازم بداند باقی خواهد ماند

(به علاوه اقدام به حفظ اشیائی که در خارج از محل اقامت ورشکسته است خواهد نمود). ماده ۱۵ قانون تصفیه

قسمت اخیر در ماده ۹ نیز بشرح زیر منعکس است: « در صورتیکه اموال تاجر ورشکسته واقع در حوزه دادگاه دیگری باشد میتواند اقداماتی را که لازم است از اداره تصفیه محل چنانچه در محل موجود باشد و گرنه از دادگاه آن محل یا مامور دیگری که تعیین میکند بخواهد

اداره تصفیه میتواند از اداره پست و تلگراف و گمرک بخواهد که در مدت تصفیه کلیه برگها و بسته ها نیکه بعنوان متوقف فرستاده میشود یا از طرف متوقف ارسال گردیده برای آن اداره بفرستد

صورت برداری از اموال ورشکسته بموجب ماده ۱۳ قانون تصفیه صورتی از اموال ورشکسته برداشته میشود و طبق ماده ۲۰ صورتی که تنظیم شده به ورشکسته ارائه و از او سوال می شود که آن را صحیح و کامل میداند یا خیر و پاسخ ورشکسته قید شده به امضاء او میرسد

بالاخره به موجب ماده ۱۹ « کلیه اشیائی که در صورت قید شده باید ارزیابی شود

تعیین تکلیف حقوق و اموال و اسناد اشخاص ثالث

ممکن است اموالی نزد بازرگان ورشکسته باشد که متعلق به اشخاص ثالث و یا به نحوی از انحاء متعلق حقوق آنان

: باشد در این مورد قانون تصفیه بشرح زیر تعیین تکلیف کرده است

اشیائی که متعلق به اشخاص ثالث بوده و یا اشخاص ثالث نسبت به آنها اظهارحقی می نمایند در صورت اموال قید شده (مراتب ضمن صورت ذکر خواهد شد. (ماده ۱۷

همچنین اداره تصفیه مکلف است حقوق اشخاص ثالث را نسبت به اموال غیرمنقول ورشکسته مستند به اسناد رسمی (است معلوم کرده ضمن صورت اموال قید نماید. (ماده ۱۸

علاوه بر قواعد مزبور در قانون تصفیه، مقرراتی هم در مواد ۵۲۷ تا ۵۳۵ قانون تجارت در خصوص اموال بازرگانی و اسناد عیناً در حین ورشکستگی در نزد تاجر ورشکسته موجود باشد صاحبان آن می توانند عین اسناد را استرداد کنند

این استرداد به اداره تصفیه اعلام می شود و اگر قبول نکرد تکلیف آن با تقاضای ذینفع وسیله دادگاه تعیین خواهد شد

الف- مال التجاره هائی که در نزد تاجر ورشکسته امانت بوده یا به مشارالیه داده شده است که به حساب صاحب مال التجاره به فروش برساند مادام که عین آنها کلاً یا جزئاً تا جرورشکسته موجود یا نزد شخص دیگری از طرف (تاجرمدبور امانت یا برای فروش گزارده شده و موجود باشد قابل استرداد است. (ماده ۵۲

ب- مال التجاره هائی که تاجر ورشکسته به حساب دیگری خریداری کرده و عین آن موجود است اگر قیمت آن پرداخته نشده باشد، از طرف فروشنده، در غیر این صورت از طرف کسی که به حساب او آن مال خریداری شده قابل استرداد است.

ج- هرگاه تمام یا قسمتی از مال التجاره که برای فروش به تاجر ورشکسته داده شده بود معامله شده و به هیچ نحوی بین خریدار و تاجر ورشکسته احتساب نشده باشد از طرف صاحب مال قابل استرداد است اعم از اینکه نزد تاجر ورشکسته موجود باشد قابل استرداد است.

د- اگر مال التجاره که برای تاجر ورشکسته حمل شده قبل از وصول از روی صورت حساب یا بارنامه که دارای امضاء ارسال کننده است بفروش رسیده و فروش طوری نباشد که دعوی استرداد پذیرفته نمیشود والا موافق ماده ۵۲۹ قابل استرداد است و استرداد کننده باید وجوهی را که بطور علی الحساب گرفته یا مساعدتاً از بابت کرایه حمل و نقل، کمیسیون، بیمه و غیره تادیه شده یا از این بابت ها باید تادیه شود بپردازد.

ه - هر گاه کسی مال التجاره به تاجر ورشکسته فروخته و لیکن هنوز آن جنس نه بخود تاجر ورشکسته تسلیم شده و نه به کسی دیگر که به حساب او بیاورد آن کس میتواند به اندازه ای که وجه آنرا نگرفته از تسلیم مال التجاره امتناع کند در تمام موارد مندرج در بندهای الف تا ه اشخاص دینفع مراتب را با اداره تصفیه اعلام میدارند و در صورتیکه پذیرفته نشد از طریق مراجع قضائی اقدام میکنند

: این موضوع در ماده ۲۸ قانون تصفیه چنین انعکاس یافته است

اداره تصفیه نسبت به اشیائی که مورد مطالبه اشخاص ثالث است تصمیم مقتضی اتخاذ نموده و اگر آنها را محق بدانند مبادرت به تسلیم آن مینماید و اگر به ده روز به ایشان مهلت میدهد که در دادگاه صلاحیت دار اقامه دعوی نمایند. کسیکه در ظرف ده روز به دادگاه صلاحیت دار رجوع ننماید دیگر دعوی او مسموع نخواهد بود

: تعیین مستثنیات دین و نفقه

مستثنیات دین مطابق بند اول ماده ۴۴۴ ق.ت. عبارتند از البسه و اثاثیه و اسبابی که برای حوائج ضروری تاجر ورشکسته و خانواده او لازم است

« این اشیاء طبق ماده ۱۶ قانون تصفیه « تحت اختیار ورشکسته گذاشته شده ولی جزء صورت اموال قید خواهد شد و به موجب ماده ۲۳ همان قانون « هر گاه ورشکسته اموالی جز مستثنیات دین نداشته باشد مراتب آگهی و قید می شود که اگر بستانکاران بعضاً یا کلاً درخواست اجرای اصول ورشکستگی را در ظرف مدت ده روز ننموده و هزینه « آنرا نپردازند جریان ورشکستگی خاتمه خواهد یافت

: اما در خصوص هزینه زندگی بازرگان ورشکسته ماده ۴۴۷ ق.ت. چنین مقرر داشته است

تاجر ورشکسته در صورتیکه وسیله دیگری برای اعاشه نداشته باشد میتواند نفقه خود و خانواده اش را از دارائی « خود درخواست کند

در اینصورت طبق ذیل ماده ۲۰ قانون تصفیه: « اداره تصفیه میتواند نفقه عادلانه ورشکسته و واجب النفقه او را مخصوصاً در موردی که متوقف را تحت اختیار خود قرار بدهد و نیز تعیین خواهد نمود که تا چه مدت متوقف و خانواده « اش می توانند در خانه ای که بوده اند سکنی نمایند

: دعوت بستانکاران و بدهکاران

برای اینکه وضع مالی ورشکسته روشن شود و میزان بدهی و طلب او تعیین گردد اداره تصفیه بموجب ذیل ماده ۲۳ اقدام به « تصفیه عادی « میکند لذا طبق ماده ۲۴ آگهی منتشر نموده و نکات زیر را در آن قید می نماید

تعیین ورشکسته و محل اقامت او و تاریخ و توقف

- اخطار به بستانکاران و کسانی که ادعائی دارند به اینکه ادعای خود را ظرف دو ماه به اداره اعلام نمایند و مدارک خود را بآدره تسلیم دارند

- اخطار به بدهکاران متوقف که در ظرف مدت نام برده خود را معرفی کنند

- اخطار به کسانی که به هر عنوان اموال ورشکسته در دست آنهاست که آن اموال را در ظرف مدت نام برده

در اختیار اداره بگذارند و گرنه هر حقی که نسبت به آن مال دارند از آنهاست سلب خواهد شد مگر اینکه عذر موجهی داشته باشند.

دعوت اولین جلسه هیئت بستانکاران که منتهی در ظرف بیست روز از تاریخ آگهی تشکیل خواهد شد. ضمناً قید شود کسانی که با متوقف مسئولیت تضامنی داشته و یا ضامن او هستند می توانند در جلسه حضور بهم رسانند آگهی مزبور در مجله رسمی وزارت دادگستری و یکی از روزنامه های کثیرالانتشار دوبر به فاصله ده روز منتشر خواهد شد و نسخه ای از این آگهی برای هر یک از بستانکاران که شناخته شده است فرستاده می شود پس از انقضاء دو ماه از انتشار آخرین آگهی دیگر سندومدرکی از بستانکار پذیرفته نمی شود ولی اگر عذر موجهی در بین باشد و به ثبوت برسد اداره تصفیه اسنادی را که در ارائه آنها تاخیر شده تا ختم ورشکستگی قبول و اقدام به تصحیح صورت بستانکاران می نماید و سایر بستانکاران را نیز بوسیله آگهی مطلع می سازد (اما هزینه ای که بر اثر این اقدام بوجود آید بر عهده مدعی طلب است) ماده ۷

: تصفیه اختصاری

به موجب ماده ۲۳ قانون تصفیه اگر بنظر اداره حاصل فروش اموالی که صورت آنها برداشته شده کافی برای پرداخت هزینه ورشکستگی نباشد اداره آگهی می کند که در ظرف چهل روز هر کس هرگونه ادعائی دارد بنماید و سپس به ترتیب که منافع بستانکاران اقتضاء می کند بدون رعایت تشریفاتی اقدام به فروش اموال نموده حاصل آن را بین آنان تقسیم و ختم عمل تصفیه را اعلام میدارد. این اقدام را اصطلاحاً « تصفیه اختصاری » می نماید.

ولی اگر یکی از بستانکاران درخواست کند که کاربرطبق اصول تصفیه عادی جریان پیدا کند قبلاً هزینه آن را پرداخت نماید.

: ادامه کار و اداره اموال

مستنداً به ماده ۲۶ قانون تصفیه: « اولین جلسه بستانکاران تحت ریاست یک نفر از کارمندان اداره تشکیل میشود ». و اداره گزارش راجع به صورت اموال و سایر امور مربوط به متوقف را برای بستانکاران میخواند بستانکاران میتوانند پیشنهادهائی راجع به ادامه جریان کار بازرگانی یا حرفه مربوط به متوقف بنمایند ولی تصمیم با اداره تصفیه است - و به طور کلی اداره تصفیه نماینده منافع بستانکاران است در صورتی که تصمیم به ادامه کار گرفته شود اداره تصفیه میتواند اشخاصی را تعیین نماید که کار بازرگان ورشکسته را تا موقع مقتضی ادامه دهند و به این ترتیب از تعطیل کار که موجب تضرر بستانکاران است جلوگیری می نماید اما تصمیم بستانکاران به عدم ادامه کار مانع از آن نیست که اداره تصفیه اقدامات مقتضی در جهت منافع بستانکاران انجام دهد. از لحاظ اداره اموال موجود اداره تصفیه اشیائی را که در معرض تنزل قیمت باشند و یا نگاهداری آنها هزینه غیر متناسبی را ایجاد نماید بدون تاخیر خواهد فروخت و همچنین اقدام به فروش برگهای بهادار (بورسی) و یا اشیائی که در بازار قیمت معینی دارند بعمل خواهد آورد. بالاخره در مسیر اداره اموال اداره تصفیه اقدام به استرداد اموال و وصول مطالبات می نماید و در صورت ضرورت برای استرداد اموال و وصول مطالبات اقدام به طرح دعوی خواهد کرد. رسیدگی به مطالبات و تشخیص بدهی ها برای بررسی دقیق این موضوع قبلاً باید با توجه به مقررات قانون تجارت و قانون تصفیه انواع بستانکاران و حقوق آنانرا در نظر آوریم.

: بستانکاران به سه گروه عمده تقسیم می شوند

بستانکاران با وثیقه ملکی

بستانکاران با حق رجحان

بستانکاران عادی

بستانکاران با وثیقه : در ماده ۵۱۴ قانون تجارت قید شده است که: « طلبکارهایی که هزینه در دست دارند فقط در صورت غرما برای یادداشت قید میشوند. » همچنین در ماده ۳۲ قانون تصفیه مقرر گردیده که: « مطالباتی که به موجب سند رسمی وثیقه ملکی دارند باید منظور شود هر چند از طرف بستانکاران اظهار نشده باشد بالاخره طبق ماده ۸۵ همین قانون : « بستانکارانی که دارای وثیقه اند نسبت به حاصل فروش مال مورد وثیقه

« دربرگ تقسیم حاصل فروش مقدم بر سایر بستانکاران قرار داده می شوند
به این ترتیب آنچه مسلم است بستانکاران با وثیقه در طبقه اول بستانکاران ورشکسته قرار دارند و اصل طلب خود را
از وثیقه وصول و استیفاء می نمایند و اگر چنانچه قیمت فروش وثیقه تکافوء طلب آنها را ننماید نسبت به بقیه جزء
بستانکاران عادی خواهد بود و به اصطلاح داخ در غرماء می شوند
بستانکاران با حق رجحان: این گروه از بستانکاران دارای حق تقدم نسبت به بستانکاران عادی بوده و در تقسیم
حاصل فروش اموال متوقف این تقدم رعایت میشود
بستانکاران مزبور به ترتیب طبقات زیر نیز ماده ۵۸ قانون تصفیه ذکر شده بریکدیگر تقدم و تاخر دارند. بنابراین
طبقه اول مقدم بر طبقه دوم تا آخر... اینک صورت طبقات بستانکاران با حق رجحان
طبقه اول

الف: خدمه خانه برای حقوق مدت سال آخر قبل از توقف

ب: خدمتگزاران بنگاه ورشکسته برای حقوق مدت شش ماه قبل از توقف

ج: کارگرانی که روزانه یا هفتگی مزد می گیرند برای دستمزد مدت سه ماه قبل از توقف

طبقه دوم

اشخاصی که مال آنها به عنوان ولایت یا قیمومیت تحت اداره ورشکسته بوده نسبت به طلبی که ورشکسته از این
جهت مدیون شد و توقف در دوره ولایت یا قیمومیت و یا ظرف یکسال پس از انقضای آن اعلام شده

طبقه سوم

پزشک و دارو فروش نسبت به مطالباتی که به مصرف مداوای مدیون و خانواده اش در ظرف سال قبل از توقف
رسیده است

طبقه چهارم

الف - زوجه نسبت به نفقه خود طبق ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی

ب- زوجه نسبت به مهریه خود تا میزان ده هزار ریال به شرط آنکه از دواج اقلأ پنجسال قبل از توقف واقع شده باشد
بستانکاران عادی: این گروه آنهایی هستند که نه طلب با وثیقه و نه با حق رجحان دارند، بلکه آنهایی هستند که طلب
آنها پس از پرداخت بستانکاران گروه اول و دوم پرداخت می شود و بسته به حاصل فروش و میزان بدهی بازرگان چند
درصد از طلب آنان وصول می شود و گروه غرماء را تشکیل می دهند
با توجه به گروههای سه گانه آنچه محقق است در رسیدگی مطالبات و تشخیص بدهی ها موقع هر بستانکاری در هر یک
از این سه گروه باید تعیین و روشن شود. در پیروزی از این قاعده است که ماده ۳۲ قانون تصفیه مقرر داشته است
که: پس از انقضاء موعد ابراز اسناد منتهی در ظرف بیست روز اداره صورتی با در نظر گرفتن طلب هائی که حق
« رهن و یا رجحان دارند تهیه خواهد نمود

بنابراین پس از آنکه در مدت مقرر بستانکاران اسناد و مدارک خود را با قید میزان و مبلغ طلب خود به اداره تصفیه
تسلیم کردند اداره به مطالبات رسیدگی نموده آنها را تصدیق یا رد می نماید و در صورتی که متوقف در دسترس باشد
جلب نظر او را خواهد کرد بدون آنکه مکلف به قبول نظر وی باشد

اداره در رسیدگی به مطالبات آزادی عمل داشته و در صورت لزوم میتواند ابراز دفاتر بستانکاران را بخواهد

پس از آنکه رسیدگی تکمیل شد صورتی از آن بطریق آگهی برای اطلاع بستانکاران انتشار خواهد یافت

این صورت ممکن است چه از حیث رد یا قبول بستانکاران، چه از حیث میزان طلب و چه از لحاظ حق رهن و یا
رجحان مورد اعتراض قرار گیرد

تکلیف این مورد است که در ماده ۲۶ قانون تصفیه به شرح زیر تعیین شده است: « هرکس نسبت به این صورت
«اعتراض داشته باشد در ظرف بیست روز از انتشار آگهی حق دارد در دادگاه صادرکننده حکم توقف اقامه دعوی کند
اگر معترض ادعا کند که طلب او بيمورد رد شده یا کسر گردیده و یا حق رهن یا رجحان او منظور نشده دعوی بر علیه
اداره اقامه می شود و اگر طلب یا حق رجحان کسی که قبول شده مورد اعتراض باشد دعوی بر علیه بستانکار اقامه
خواهد شد. در صورتی که دعوی اخیر به نتیجه رسیده و حکم به رد طلبی صادر شود سهمی که تخصیص به آن داده
شده در حدود طلب مدعی و هزینه دادرسی با اختصاص پیدا خواهد کرد و مازاد بین سایر بستانکاران تقسیم خواهد
شد »

: فروش اموال و تقسیم وجوه حاصله

چنانکه دیدیم در مقام رسیدگی به مطالبات هم بستانکاران، هم بدهکاران و هم اشخاصی که مالی از ورشکسته نزد آنها بود جمعاً دعوت می شوند ولی پس از رسیدگی به مطالبات فقط آن دسته از بستانکاران که تمام یا قسمتی از طلب آنها مورد قبول واقع شده بوسیله اخطار به جلسه دعوت می شوند و در این جلسه، اداره گزارش کاملی نسبت به وضع دارائی و مطالبات متوقف را استماع نموده و در صورت مجلس ذکر می کند

پس از این مرحله، نوبت فروش اموال میرسد. فروش اموال متوقف به طریق مزایده انجام میگیرد دو مورد زیر که ممکن است بدون مزایده و به طریق عادی انجام گیرد

اگر هیئتی از بستانکاران که شامل نصف بعلاوه یک بستانکاران و مالک سه ربع مطالبات باشند رضایت بدهند. وقتی که مال در بورس و یا در بازار قیمت معینی دارد. باستثناء اشیاء مورد وثیقه مگر با رضایت صاحب وثیقه پیش از آنکه آگهی فروش با مزایده انتشار یابد شرایط فروش در دفتر اداره در دسترس عموم گذارده میشود تا هر کس بتواند اطلاعات لازمه را کسب نماید و در آگهی مزایده برای اموال ده روز و غیره منقول سی روز وقت گذاشته میشود و ضمن آگهی مشخصات کامل اموال و روز و ساعت و محل مزایده تعیین خواهد گردید در فروش اموال منقول متصدی حراج آخرین بهای پیشنهاد شده را سه بار با صدای بلند اعلام و مال را واگذار خواهد کرد.

اما در فروش اموال غیر منقول اگر در نوبت اول پیشنهاد مورد قبول نرسد در مرتبه دوم که باید لااقل دو ماه پس از نوبت اول بعمل آید اموال مورد مزایده به کسیکه بالاترین قیمت را پیشنهاد مینماید واگذار خواهد شد در خصوص تقسیم وجوه حاصله ماده ۴۶ قانون تصفیه چنین مقرر داشته است: « و قتیکه پول حاصله از فروش در دسترس اداره قرار گرفت و صورت بستانکاران قطعی گردیده اداره صورتی از حاصل دارائی و حساب نهائی تنظیم خواهد نمود... و صورت تقسیم و حساب نهائی در مدت ده روز در دسترس بستانکاران قرار گرفته و مراتب به « اطلاع آنها خواهد رسید. بعلاوه خلاصه ای از صورت مربوط به سهم هر یک برای آنها فرستاده خواهد شد و به موجب ماده ۴۷ پس از انقضای مدت نام برده اداره مبادرت به پرداخت هر یک از سهام می نماید. بستانکاری که کاملاً بحق خود میرسد باید سند مربوطه را به اداره تسلیم کند. در موردی که قسمتی از طلب پرداخت می شود مراتب در سند قید می گردد

اگر طلبی معلق باشد و یا به اقساط می بایست تادیه گردد سهمیه مربوطه به آن در صندوق دادگستری گذاشته خواهد شد و اداره به هر یک از بستانکارانی که حقوق آنها کاملاً تادیه نشده سند عدم کفایت دارائی می دهد. بستانکار فقط در مورد ملائت ورشکسته می تواند موجب این سند بقیه طلب خود را ادعا نماید در صورتی که پس از خاتمه ورشکستگی اموال متعلق به متوقف کشف شد اداره آنها را به تصرف خود در آورده و حاصل فروش آن را بدون هیچ گونه تشریفات بین بستانکاران تقسیم می کند نسبت به سهمیه هایی که به مناسبت مشکوک بودن طلب بودیعه گذاشته شده و بعداً تصرف در آنها مجاز خواهد شد به همین ترتیب اقدام می گردد

: مدت تصفیه

برای اینکه در کار تصفیه ورشکستگی تاخیر رخ ندهد و تکلیف بستانکاران و بازرگان متوقف زودتر مشخص گردد قانون تصفیه در قانون ۵ مقرر داشته است که ورشکستگی باید از تاریخ وصول حکم آن به اداره تصفیه در ظرف ۸ ماه تصفیه گردد هنگام ضرورت رئیس دادگاه استان میتواند این مدت را تمدید نماید

: خاتمه ورشکستگی

به موجب ماده ۴۹ قانون تصفیه پس از تقسیم اموال خاتمه ورشکستگی اعلام خواهد شد برای اینکه این اعلام از طرف رئیس اداره انتشار یابد طبق ماده ۶ آیین نامه قانون تصفیه کارمند متصدی امور ورشکستگی گزارشی مبنی بر خاتمه ورشکستگی به رئیس اداره خواهد داد. در این گزارش خلاصه عملیات تصفیه و جهت ورشکستگی و مبلغ دارائی و بدهی و میزان زمینه خالی و سهمیه هایی که در صندوق وزارت دادگستری سپرده شده ذکر خواهد شد اعاده اعتبار:

طبق ماده ۵۶۱ قانون تجارت: « هر گاه تاجر ورشکسته که کلیه دیون خود را با متفرعات و مخارجی که به آن تعلق گرفته است بپردازد حقاً اعاده اعتبار می نماید ولی به منظور اینکه حکم اعاده اعتبار از مقام قانونی صادر گردد

بازرگان ورشکسته درخواست ادعاه اعتبار خود را به داستان حوزه دادگاه صادرکننده حکم ورشکستگی تسلیم مینماید. رونوشت این دادخواست به بستانکاران فرستاده می شود و در صورتی که معترضی نبود حکم اعاده اعتبار صادر می گردد و در صورت اعتراض رای نهایی با دادگاه استان خواهد بود.

هرگاه درخواست مذکور رد شود پس از شش ماه قابل تجدید خواهد بود به هر صورت دادگاه با توجه به مواد ۵۶۱ تا ۵۷۵ قانون تجارت اظهار نظر خواهد کرد و در مورد بازرگان ورشکسته به تقلب اعاده اعتبار مدنی وقتی . میسر خواهد شد که اعاده هیئیت جزائی حاصل شده باشد

معذالک اعاده اعتبار واقعی وقتی است که بازرگان متوقف با حسن نیت و صحت عمل خود آن را در افکار عمومی بوجود آورد.